

مبانی فقهی کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی

□ سید زکی موسوی *

چکیده

موضوع تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی یکی از مباحث مهمی است که اثبات یا رد آن زندگی فردی و اجتماعی مسلمین را تحت تاثیر قرار می دهد. روش بحث در این مقاله بررسی منابع و مبانی فقهی یعنی آیات و روایات می باشد. هدف آن است که با بررسی مبانی و منابع دیدگاه های مختلف روشن شود. دیدگاه مورد قبول این است که کسب ثروت حلال از نظر مبانی و منابع فقهی بویژه، قرآن و روایات با توجه به تعبیرات قرانی، ثروت قوام جامعه، وصف مال به خیر، ودیعه الهی، فضل الهی و امتیاز ویژه و تعبیرات روائی، حفظ دین و تقوا با تمکن مالی، ثروت پایه های اصلی دین و دنیا، تحصیل مال حتی در شرایط بحرانی و مال و دارایی، عاملی برای سکون، کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی، جایز و جهت تهیه هزینه زندگی واجب است. هیچگونه منعی از نظر شرع وجود ندارد. آیات و روایاتی که کسب ثروت را مورد نکوهش قرار داده است، مربوط به ثروتی است که از طرق خلاف شرع یا عدم پرداخت حقوق شرعی جمع آوری شده است.

واژگان کلیدی: مبانی فقهی، کسب ثروت، تعلیق، تنجیز، مشروط.

مقدمه

فقه در لغت و اصطلاح

فقه در لغت

در لغت فقه به «مطلق فهم» معنا شده، لکن با مراجعه به بعضی از کتب لغت به دست می آید که واژه «فهم» خود، برابر با مطلق علم و ادراک نیست بلکه عبارت از ادراک خفی و دقیق است. با نوعی استنتاج و تعقل: «هُوَ إِدْرَاكُ أَمْرٍ عَنِ التَّعَقُّلِ، فَالْفَهْمُ هُوَ الْإِسْتِنَاجُ الْعِلْمِيَّ» همراه است چنان که «تفهیم» در مثل «فَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...»؛ (ما [حکم واقعی] آن را به سلیمان فهماندیم) باری بیش از مطلق تعلیم دارد و وقتی می گوییم: «به او تفهیم کردم» مقصود این است که او را به عمق و باطن مطلب رساندم.

فقه در اصطلاح

فقه در اصطلاح اصولیون و فقها، مجموعه ای از قوانین، دستورات و امر و نهی هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می زند و به او می آموزد که چه عکس العملی در مقابل مولای حقیقی اش داشته باشد.

تعریف مبانی

«مبانی» از حیث لغوی جمع مکسر از واژه «مبنا» است که خود از «بنی» اشتقاق یافته است. کلمه «بنی» در لغت عرب به معنای بنا کردن یا ساختن خانه و نیز نیکی کردن آمده. لغتشناسان پارسی، واژه «مبنا» را به پایه، ابتدا، بنیان و اساس معنا کرده اند. (لونیس معلوف، المنجد (عربی به فارسی)، ج ۱، ۱۰۶-۷ صص، ۱۳۸۶ مفهوم‌شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی ۱۱ (۳))

مبنا در اصطلاح

مبنا در اصطلاح، آن چیزی است که به قاعده، مشروعیت و حجیت میبخشد و موجب میشود

که آن قاعده قابلیت اجرا پیدا کند. به عنوان مثال، اگر حکم فقهی مانند جواز قصاص قاتل عمد توسط اولیای دم از حیث چرایی اعتبار مورد پرسش قرار گیرد، آنچه در پاسخ می‌آید، نصوصی از کتاب و سنت است و از اینرو، نصوص مذکور مبانی آن حکم خواهند بود. واژه‌های دیگری وجود دارد که قرابت زیادی با واژه مبانی دارد. از جمله مهمترین آنها میتوان دو واژه قواعد و منابع را نام برد.

منظور از مبانی فقهی، دلایل و مدارکی است که قاعده فقهی بر آنها مبتنی و استوار است. این دلایل نزد فقهای امامیه منحصر به چهار منبع کتاب، سنت، اجماع و عقل است. با توجه به این منابع به تشریح مبانی فقهی تشویق به کسب ثروت حلال می‌پردازیم.

تعریف ثروت:

ثروت به معنای، تمکن، تمول، دارایی، دولت، غنا، مال، مکنت، ملک، منال، نعمت، نوا، هستی، تعبیر شده است. ثروت را می‌توان شاخص تعیین جایگاه اقتصادی هر فرد دانست که کیفیت و کمیت آن در تقسیم‌بندی طبقات اقتصادی تعیین‌کننده است.

حلال:

حلال و حلیت به معنی جایز، مشروع، بلا مانع، مباح و در خصوص اموال به معنی جواز تصرف است و هرگاه به طور مطلق به کار رود به معنی جواز کلیه تصرفات متعارف خواهد بود. هر چند معنی متبادر از حلیت در باب تکالیف و به معنی جواز تکلیفی است لکن مفهوم جواز به معنی حکم وضعی، لازم معنی تکلیفی تلقی می‌گردد. (آیات الأحکام) عمید زنجانی، صفحه: ۱۷۰)

مقدمه:

کسب ثروت حلال از دیدگاه اسلام چگونه است؟ آیا اسلام موافق کسب ثروت حلال است یا مخالف آن؟ موضوع کسب ثروت از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است. با گذشت زمان،

افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مساله کسب ثروت و تامین معاش و نیازمندی‌های رو به تزاید انسان دائماً متحول و پیچیده‌تر شده است.

نسبت به کسب ثروت سه دیدگاه، مبتنی بر جهان‌بینی‌های متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول: از دنیا و اموال آن به مقداری که گرسنگی و نیاز آنها برطرف شود و پوششی برای خود داشته باشند کافی می‌داند.

دیدگاه دوم: کسب ثروت را هدف زندگی فردی و اجتماعی می‌دانند. به طوری که همه چیز را برای کسب ثروت و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می‌کنند. مال اندوزی می‌کنند و فرقی بین حلال و حرام نمی‌گذارند. اگر انفاق کنند از روی اسراف است و اگر امساک کنند از روی بخل و خساست.

دیدگاه سوم: کسب ثروت را نه هدف زندگی بشر بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا بدین وسیله به هدف‌های متعالی دست یابند. فقط به دنبال کسب اموال از راه حلال هستند، و هیچگاه به سوی حرام دست درازی نمی‌کنند؛ و از سرمایه خود در راه خیر استفاده می‌کنند. مبانی کسب ثروت در این گروه کاملاً متفاوت است. در این میان موضوع اصلی این است که واقعا مساله کسب ثروت چیست؟ و در کجای زندگی بشر است؟ و وظیفه آن چیست؟ با تنگناها و بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی چگونه برخورد می‌شود. بخصوص اینکه گاهی ثروت به عامل فشار کشورهای معارض و رقیب تبدیل می‌شود. با توجه به تحقیقات انجام شده در منابع فقهی و منتج شدن آن به حلیت کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی در این نوشتار سعی بر این است که با استفاده از منابع فقهی مشوقاتی را که جهت کسب ثروت حلال در جامعه اسلام وجود دارند، بیان نمایم

اهمیت کسب ثروت از منظر مبانی فقهی

در اسلام، انبوهی از احکام فقهی وجود دارد که ناظر به دقیق‌ترین و ظریف‌ترین رفتارهای اقتصادی بشر است. کسب ثروت که نتیجه فعالیت‌های اقتصادی است برای کشورها و جوامع

از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا رشد و پیشرفت و قدرت هر جامعه و کشوری به قدرت اقتصادی آن بستگی دارد چنان که تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی امریکا علیه ملت مظلوم مسلمان به علت رشد و پیشرفت اقتصادی آن است. احکامی فقهی کسب ثروت اگر تا دیروز اهمیت آن برای مردم شناخته شده نبود، امروز با توجه به تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی در عرصه‌های بین‌المللی، اهمیت آن بیشتر آشکار شده است.

بی‌تردید استقلال، ثبات سیاسی، نفوذ در مجامع جهانی، اقتدار ملی و میزان تسلط و امنیت هر جامعه به قدرت و کارایی اقتصاد و توانمندی مالی آن بستگی دارد.

از سوی دیگر، اقتصاد بیمار و وابسته، در هر جامعه‌ای، زمینه ساز تزلزل ارزش‌های اخلاقی، حاکمیت فساد و فحشا، ازدیاد بزهکاری و آلودگی‌های اجتماعی است. عقب‌ماندگی اقتصادی در هر جامعه، موجب عقب‌ماندگی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی است و وابستگی به بیگانگان را بر جامعه تحمیل می‌کند.

از سوی سوم گاهی مسائل کلان اقتصادی چنان از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است که یک تصمیم بجا و معقول می‌تواند جامعه را به اوج عظمت و اعتلا برساند و در برابر گاهی تصمیمی نابجا و نسنجیده، شکست اقتصادی آن جامعه را به دنبال دارد.

این ویژگی‌های انکارناپذیر است که جایگاه «مسائل کسب ثروت» را در هر دین و آیینی ممتاز ساخته است.

نوشتار حاضر به دنبال مبانی فقهی تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی هست، که طی سه مبحث ارائه می‌گردد:

مبحث اول: تشویق به کسب ثروت از منظر قرآن

مبحث دوم: تشویق به کسب ثروت از منظر روایات

مبحث سوم: حل تعارض، تشویق به کسب ثروت و نهی از ثروت اندوزی.

مبحث اول: تشویق به کسب ثروت حلال از منظر قرآن

در این مبحث تشویق به کسب ثروت حلال از منظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی باید

دید که قرآن در مورد کسب ثروت حلال چه مشوقاتی را بیان می‌کنند.

قرآن جهت تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی تعبیرات مختلفی دارند. یکی از تعبیرات آن در مورد ثروت (فضل الله) است. اطلاق واژه «فضل الله» در ارتباط با مال و ثروت به صورت گسترده در قرآن آمده است. که بیانگر تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی است.

فضل الله

از جمله می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد.

۱. در سوره جمعه که توصیه و تشویق به کسب ثروت حلال بعد از شرکت در نماز جمعه و ذکر خدا، می‌فرماید:

((فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ)) (جمعه، آیه ۱۰). و هنگامی که نماز جمعه پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند بطلبید. «ابْتَغُوا»: از ماده بغی به معنی طلب و جستجو است.

حکم فقهی آیه

ظاهر امر به طلب فضل و نعمتهای الهی، وجوب تحصیل آن است.

قسمت اول آیه: «فانتشروا» مقدمه قسمت دوم: «وابتغوا» می‌باشد و وجوب تحصیل روزی، موجب وجوب مقدمه سفر و پراکنده شدن در زمین است می‌باشد. (آیات الأحکام) عمید زنجانی، (صفحه: ۲۰۲)

گرچه جمله «وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» می‌تواند معنای وسیعی از قبیل تحصیل علم، زیارت مؤمن و... داشته باشد ولی به قرینه آیه پیش از آن (ذُرُوا الْبَيْعَ..) و آیاتی دیگر اشاره به همان کسب ثروت حلال، طلب روزی و تشویق به کسب آن است. از این آیه استفاده می‌کنیم که حتی روز تعطیل و به جا آوردن اعمال عبادی در روز جمعه، مانعی برای فعالیت‌های اقتصادی سازنده و کسب ثروت حلال نیست. (حیدری، کمال. محرر طلال حسن، کلیات فقه المکاسب المحرمه، صفحه: ۹۷)

۲. در سوره مزمل جهت تشویق به کسب ثروت حلال می‌فرماید.
وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاخِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مزمل، آیه ۲۰). به زودی گروهی دیگر از شما برای به دست آوردن فضل الهی و کسب روزی به سفر می‌روند و دیگران نیز بجای آن جهاد در راه خدا را بر می‌گزینند.

مفردات آیه

الف - «یضربون»: «ضرب» به معنی زدن و کوبیدن چیزی بر چیز دیگر است و ضرب در زمین به معنی همان راه رفتن است و از آنجا که معمولاً کسی که به دنبال کار جدی به راه می‌افتد. (آیات الأحکام (عمید زنجانی)، صفحه: ۲۰۰)

ب - «یبتغون»: فعل مضارع از ریشه ابتغاء به معنی طلب کردن است و نوعی هدفداری در کار و حرکت را حکایت می‌کند.

ج - «فضل الله»: فضل به معنی زیادی، اضافه و افزون گفته می‌شود و منظور از فضل الله یا بدان معنی است که هر نوع فزونی از جانب خداست و باید از خدا خواست و یا این که هر چه در هستی در اختیار انسان و قابل استفاده برای انسان است افزون بر حق انسان بوده که از جانب خدا به او تفضل شده است. کسب ثروت حلال نیز از تفضل الهی است.

حکم فقهی آیه

مشروعیت «ابتغاء فضل الله» که به وضوح از آیه استفاده می‌شود بدان معنی است که با هر سبب عرفی که منع شرعی نداشته باشد قابل تحصیل است.

دلالت آیه بر مشروعیت سفر برای تجارت و هر نوع کسب روزی حلال قابل تردید نیست و اطلاق آن شامل همه انواع اسباب تکسب می‌شود تعبیر به طلب فضل خدا و نیز هم طرازی دو قسمت آیه، افزون بر مشروعیت بر رجحان آن نیز دلالت دارد. سیاق آیه نیز تشویق به کسب مال حلال می‌کند. (آیات الأحکام، عمید زنجانی، صفحه: ۲۰۱)

فاضل مقداد، در ردّ این استدلال به این نکته اشاره کرده است که «فضل الله» عبارت از اعمال صالحی است که با ثواب اخروی موجب نجات انسان از موبقات است و گرنه معادل

جهاد شمرده نمی‌شد. (فاضل مقداد، «کنز العرفان»، ج ۲ ص ۵۸ و ۷۵).
در جواب می‌توان گفت که ثروت حلال اگر به صورت مشروع مصرف شود اعمال صالحی است که با ثواب اخروی موجب نجات انسان از موبقات است و معادل جهاد شمرده می‌شود.
۳. جهت تشویق کسب ثروت حلال در سوره نحل می‌فرماید.

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ
مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل آیه ۱۴)

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را میبینی که سینه دریا را میشکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید!

احکام فقهی آیه

آیه به دو حکم فقهی دلالت دارد، نخست: مشروعیت استفاده از مواهب خلقت و از آن جمله اختلاف شب و روز و دریاها.

دوم: ترغیب و تشویق به بهره‌وری از این مواهب. و کسب فضل الهی و مال حلال از مجاری مشروع. (آیات الأحکام، عمید زنجانی، صفحه: ۱۱۴)

۴. جهت تشویق به کسب ثروت حلال در سوره اسراء می‌فرماید.
«وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ»؛ و نشانه روز را روشنی بخش ساختم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بطلبید و برای زندگی به تلاش برخیزید. (اسراء: ۱۲)
از جمله (لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ) استفاده می‌شود که دنبال فضل الهی که همان مال و ثروت حلال است، باشید و آن را کسب نمایید.

۵. در سوره بقره جهت تشویق به کسب ثروت حلال می‌فرماید.
«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» (بقره، آیه ۱۹۸). گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید.

حکم فقهی آیه:

جواز اشتغال حجاج جهت کسب و طلب رزق از طریق تجارت

(ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الأحكام، جلد: ۱، صفحه: ۲۰۸)

شایان توجه است که این آیه در لابلاي آیات مربوط به مسائل حج ذکر شده است. مطابق نقل روایات در زمان جاهلیت هنگام مراسم حج، هرگونه معامله و تجارت و کسب و کار، حرام بود. آنان چنین می‌پنداشتند که این اعمال باعث بطلان حج است، پس از ظهور اسلام، مسلمانان منتظر بودند اسلام در این باره نظر بدهد آیه فوق حکم جاهلی را مردود دانست و اعلام کرد هیچ‌گونه منعی برای کسب ثروت حلال در کنار این عبادت بزرگ نیست. (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰-۳۲۱).

۶. همچنین در آیات ذیل کلمه (فضل الله) جهت تشویق به کسب ثروت حلال ذکر شده

است.

رَبُّكُمْ الَّذِي يَزِجُ لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا
(اسراء، آیه ۶۶)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد، تا از نعمت او بهره‌مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است.

وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (قصص آیه ۷۳)

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و

هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید!
وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاءُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (روم آیه ۲۳)

و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوشش‌تان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛ در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند!

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ يَرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْرِيَ الْفَلَكَ

بِأَمْرِهِمْ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (روم آیه ۴۶)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادهای را بعنوان بشارتگرانی میفرستد تا شما را از رحمتش بچشانند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید.

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفَلَكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ ۚ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (جاثیه آیه ۱۲)

(خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید!

۷. در سوره نساء جهت تشویق به کسب ثروت حلال می فرماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ (نساء آیه ۲۹)

ای کسانی که ایمان آوردهاید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتنی با رضایت شما انجام گیرد.

حکم فقهی آیه

جمله: لا تأكلوا کنایه از هر نوع تصاحب و تملك اموالی است که بنا حق باشد، ولی چون مردم غالباً در فکر خورد و خوراک میباشند و از طرفی هم در بین مردم ضرب المثل است که مثلاً می گویند: فلانی حق و پول فلانی را خورد، و امثال ذلك، و یکی از فصاحت و بلاغت های قرآن مجید این است که به زبان قوم سخن میگوید لذا میفرماید: (لا تأكلوا أموالكم) الی آخره - اطلاق این آیه شامل تصرف در هر نوع مالی که قرآن و اسلام از آن جلوگیری کرده باشند میشود.

چون ممکن است بعضی از تجارتها بدون رضایت یکطرف یا طرفین بنحو اجبار و قهر انجام بگیرد لذا در این جمله میفرماید: (إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ) از کلمه: (عَنْ تَرَاضٍ) که مصدر باب تفاعل میباشد و برای طرفین بکار میرود استفاده میشود: باید طرفین معامله راضی باشند. (تفسیر آسان، ج ۳، ص: ۲۰۵)

۸. در سوره ص جهت تشویق به کسب ثروت حلال می فرماید.

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

(ص آیه ۳۵) گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من

سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌های!

حضرت سلیمان عليه السلام از خداوند سلطنتی باشکوه درخواست کرد که هیچ یک از پیشینیان و آیندگان از آن برخوردار نبوده و نخواهند بود. اگر برخورداری از مواهب دنیوی، اشکال داشت پیامبر خدا که از مقام عصمت برخوردار است نباید چنین چیزی را از خدا درخواست می‌کرد.

۹. در سوره بقره جهت تشویق به کسب ثروت حلال می‌فرماید.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره/۱۶۸)

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

...كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...؛ از نعمت-های پاکیزه- ای که به شما روزی داده

-ایم، بخورید. (سوره بقره/۵۷)

در این آیات مراد از طیبات، چیزهای حلال و پاکیزه است که خداوند متعال روزی بندگان را قرار داده است و به حالت دستوری آورده است که از حلال و طیب تناول کنید. در این آیات به جای معیشت و استفاده معیشتی از زمین از واژه «أَكْلٌ» استفاده شده که معمولاً به معنی تصاحب، تملك و اختصاص به خویش به کار می‌رود. حلیت اکل و بهره‌وری از زمین با کلمه طیب توصیف گردیده است تا بیانگر انطباق «ما فی الأرض» * با طبع آدمی و مصلحت و سلامتی او باشد.

ذیل آیه به وضوح دلالت بر حرمت پیروی از خطوات شیطان دارد که شیطان عامل زیانبار

و دشمن انسان می‌باشد. (آیات الأحکام، عمید زنجانی،، صفحه: ۷۵)

آیات مذکور اشاره بلکه تصریح به تشویق کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی دارد.

چون با صیغه امر بیان شده. اگر نگوییم که دلالت بر وجوب می‌کند مطلق صیغه امر دلالت

بر رجحان می‌کند. یعنی تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی می‌نمایند.

(آل‌عصفور، حسین بن محمد. محقق محسن آل‌عصفور،، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع،

تعبیرات دیگر قرآن در مورد ثروت

قرآن در مورد ثروت علاوه بر فضل الله تعبیرات دیگری دارند که بیانگر تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی است. به صورت خلاصه به چهار مورد اشاره می‌شود.

۱. قوام جامعه

در سوره نساء می‌خوانیم: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»؛ اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید». (نساء، آیه ۵). از جمله «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» به صراحت و روشنی استفاده می‌شود که اموال و ثروت در نگاه دین، مایه قوام و دوام زندگانی اجتماعی است؛ یعنی بدون آن، جامعه انسانی سامان نمی‌یابد. از این تعبیر به خوبی جایگاه والای مسائل مالی و ثروت در اسلام روشن می‌شود. چیزی که عکس آن را در انجیل کنونی می‌خوانیم: «شخص پولدار هرگز وارد ملکوت آسمان‌ها نمی‌شود». (تفسیر المنار، ج ۴، ص ۳۸۲؛ انجیل متی، باب ۱۹، آیه ۲۳)

نویسنده المنار می‌افزاید: آیاتی چون «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، آیه ۶۷). در واقع تفسیر کلمه «قیاماً» در جمله «الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» است. (تفسیر المنار، ج ۴، ص ۳۸۱).

در تفسیر المنیر می‌خوانیم: «و معنی قوله: «جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» أَنَّ الْأَمْوَالَ قَوَامَ الْحَيَاةِ وَ سَبَبُ إِصْلَاحِ الْمَعَاشِ وَ انْتِظَامِ الْأُمُورِ، فَبِالْمَالِ تَتَقَدَّمُ الْأُمَمُ وَ تَبْنِي صِرْحَ الْحَضَارَةِ وَ بِالْمَالِ يَسْعَدُ الْفَرْدُ وَ الْجَمَاعَةُ وَ بِهِ أَيْضًا يَتَحَقَّقُ النَّصْرُ عَلَى الْأَعْدَاءِ». (التفسیر المنیر، ج ۴، ص ۲۴۹). وقتی که ثروت به عنوان قوام فرد و جامعه باشد. قطعاً از نظر دین و عقل مورد پسند است. و مشوقاتی را برای کسب آن بیان می‌کند.

۲. وصف مال به «خیر»

اطلاق واژه «خیر» درباره مال و ثروت در آیات قرآن نشانگر نگاه مثبت دین به امکانات مالی

و ثروت است و اهمیت آن را می‌رساند.

در سوره بقره: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، آیه ۱۸۰). بر شما مقرر شده هنگامی که یکی از شما را مرگ فرارسد اگر خیری از خود بجای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند.»
در این آیه دو نکته قابل توجه است:

۱. بدیهی است منظور از «خیر» در اینجا اموال مشروع است.

۲. تعبیر به «خیر» به صورت مطلق شامل خیر برای دنیا و آخرت می‌شود، راغب در مفردات بعد از آنکه خیر را به معنی هرگونه امر مطلوب تفسیر می‌کند (ضدّ شرّ) تصریح کرده است که خیر در آیات متعددی به معنای مال آمده. (مفردات، ریشه «خیر».)

اطلاق واژه «خیر» به معنی مال یا مال کثیر در آیات دیگری نیز وارد شده است از جمله: «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ» (بقره، آیه ۲۱۵). «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسِكُمْ» (بقره، آیه ۲۷۲).

این تعبیرات، همگی نشان می‌دهد که امکانات مالی وسیع و مشروع، هرگز از دیدگاه اسلام نکوهیده نیست، بلکه مطلوب و مرغوب است. این تعبیر مشوق دیگری جهت کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی است.

۳ - امتیاز ویژه

تعبیر دیگر قرآن از ثروت (امتیاز ویژه) است. از آیات قرآن استفاده می‌شود همه مواهب الهی و نعمت‌های دنیوی، مطلوب و پسندیده است و در اصل برای اهل ایمان آفریده شده است:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف، آیه ۳۲). (ای پیامبر) بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو این (نعمت‌ها) در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت (نیز) مخصوص آنان می‌باشد.»

از این آیه استفاده می‌شود که تمامی نعمت‌ها در واقع برای اهل ایمان آفریده شده است. هر چند افراد آلوده و ظالم نیز از آن استفاده می‌کنند ولی شایستگی آن را در واقع ندارند و گویا

بهره برداری آنها از مواهب مادی دنیا به صورت غاصبانه است. تعبیر امتیاز ویژه از ثروت، مشوق دیگری، جهت کسب آن در جامعه اسلامی است.

۴ - وسیله‌ای برای شمول امدادهای الهی

یکی دیگر از تعبیرات قرآن در مورد ثروت (وسیله‌ای برای شمول امدادهای الهی) است. مال و ثروت گاهی در آیات قرآن به عنوان امداد الهی شمرده شده است: «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (اسراء، آیه ۶). شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد. در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (اسراء، آیه ۶).

از جمله امدادهای خداوند به پیامبر اسلام ﷺ نیز همین بی‌نیازی مالی بوده است: «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي» (ضحی، آیه ۸). و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز کرد.

بنابر این تأمل در تعبیراتی چون مال الله، فضل الله و خیر، امتاز ویژه، در ارتباط با ثروت، نشانگر مطلوبیت و محبوبیت و جایگاه ویژه اقتصاد در قرآن و بینش دینی است. علاوه بر این تعبیرات مثبت، در قرآن از دارایی و ثروت با تعبیری چون رحمت (مانند آیه ۹ سوره هود: «وَلَيْنُ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكُفُورٌ» و آیه ۱۰۰ سوره اسراء: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ»)، حسنه (مانند آیه ۱۳۱ سوره اعراف: «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ».) و «الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف، آیه ۳۲ و مانند آیه ۴ و ۵ سوره مائده: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَهُمْ قُلُّ أَحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ...») و آیه ۹۳ سوره یونس: «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...»). یاد شده است که می‌رساند در نگاه اسلام امور مالی و اقتصادی، صرفاً بر مبنای تفکر مادی پی‌ریزی نشده، بلکه بر اساس مبانی الهی و اهدافی مقدس و متعالی بنا گردیده است.

افزون بر اینها در برخی از آیات نیز از محرومیت‌های مالی و مادی به عنوان مجازات و عذاب الهی یاد شده است؛ مانند «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (اعراف، آیه ۱۳۰) و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم. نیز: «فَبَطَلْهُمْ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ» (نساء، آیه ۱۶۰).

این اشارات قرآن نشان می‌دهد. ثروت در اسلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به گونه‌ای که در نگاه دین، قوام سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، در گرو قوام و ثبات اقتصادی آن است و زندگانی دنیا مقدمه و زمینه‌ساز حیات آخرت است. به همین جهت مشوقاتی را جهت کسب ان بیان نموده است.

مبحث دوم: تشویق روایات به کسب ثروت حلال

در این مبحث روایات مشوق به کسب ثروت حلال مورد بررسی قرار می‌گیرد. روایات مشوق کسب ثروت حلال، تجارت، طلب روزی حلال، توسعه و آبادانی، خودکفایی و استقلال اقتصادی و... که همه به نوعی حکایت از اهمیت فعالیت‌های اقتصادی و جایگاه بلند آن می‌کند، بسیار گسترده و متنوع است. در اینجا به بیان چند مورد که بیانگر تشویق و ترغیب کسب ثروت حلال است بسنده می‌شود:

۱. کسب ثروت حلال بالا ترین عبادت:

اولین مشوق جهت کسب ثروت حلال در روایات معصومین علیهم‌السلام (کسب ثروت حلال را بالا ترین عبادت) می‌داند. سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالِلِ؛

نبی گرامی اسلام صلى الله عليه وآله و سلم می‌فرماید: عبادت هفتاد جزء است که برترین جزء آن طلب حلال است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲)

همچنین می‌فرماید: «عبادت کردن با حرام خواری، مانند بنا (کردن خانه) روی ریگ است»؛ یعنی همان گونه که ساختمان بدون شالوده محکم، خراب می‌شود و بنا کننده زیان می‌بیند، عبادت کسی هم که از حرام پرهیز نمی‌کند، سودی نخواهد بخشید.

۲. سفارش به کسب ثروت حلال حتی در شرایط بحرانی

مشوق دیگر در مورد کسب ثروت حلال (سفارش به کسب مال حتی در شرایط بحرانی) است.

اسلام، برای کار و تلاش در راستای سازندگی و درآمد زایی، محدودیتی از حیث زمان، مکان و اشخاص قائل نشده است، و همان‌گونه که گذشت حتی در سفر معنوی حج، تلاش جهت کسب ثروت را بی مانع شمرده است، و روزهای بحرانی جنگ را نیز مجوزی برای ترك تلاش و کوشش و تحصیل مال نمی داند.

امام صادق علیه السلام به هشام فرمود: «یا هشام! إن رأیت الصّفين قد التقيا فلا تدع طلب الرزق فی ذلك اليوم؛ ای هشام! اگر دیدی دو گروه (مسلمان و کافر) در برابر یکدیگر صف آرایی کرده‌اند و به جنگ مشغول شده‌اند در آن روز، (نیز) از کسب روزی غفلت مکن». (کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۷).
علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن الحسين بن أحمد عن شهاب بن عبد ربّه قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام ان ظننت أو بلغك ان هذا الأمر كائن في غد فلا تدعن طلب الرزق و ان استطعت أن لا تكون كلاً فافعل (الكلّ العيال - و ثقل علی صاحبه - اللسان). (و المراد بقوله هذا الأمر إما ظهور الحجّة عليه السلام أو الموت أو القيامة فتأمل). (کافی ۵/۷۹).

شهاب بن عبد ربّه می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود:

[حتی] اگر یقین کردی یا به تو خبر رسید که «این امر» فردا تحقق خواهد یافت، پس طلب روزی را رها نکن! و اگر توانستی وبال و کلّ (دیگران) نباشی، پس چنین کن! (واژه «ظنّ» به معنای گمان کردن است و به معنای یقین نیز به کار می رود).
مقصود از «این امر» ظهور حضرت حجت (عج) یا مرگ یا قیامت است؛ پس تأمل کن! در این بینش حتی شخصیت و جایگاه اجتماعی افراد نیز مانع کسب درآمد تلقی نشده است

مرحوم فیض کاشانی درباره فضیلت کسب و کار، سخن قابل توجهی دارد، وی می گوید:
«المستفاد من أخبار أهل البيت أفضلية الكسب و التجارة مطلقاً حتّى للمتعبّد و أهل العلم و ذی الرئاسة؛ از اخبار اهل بیت استفاده می شود که کسب و تجارت برای همه افضلیت دارد، حتی برای کسانی که اهل عبادت و علم و یا صاحب ریاستند. (محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۶).
امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أوصیکم... بالاکتساب فی الفقر و الغنی؛ شما را سفارش می کنم به کار و تلاش (و درآمدزایی) چه در حال فقر و چه در حال بی نیازی». (الحیة، ج ۵، ص

۳. قوام دین

روایت مشوق دیگر در مورد کسب ثروت حلال تعبیر (قوام دین) است .
در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: « احتفظ بمالك، فإنه قوام دينك؛ در حفظ مالت بکوش، زیرا آن قوام بخش دین تو است». (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۶۰، ح ۸۹۱۵).

۴. حفظ دین و تقوا با تمکن مالی

یکی دیگر از روایات مشوق در مورد کسب ثروت حلال تعبیر (حفظ دین و تقوا با تمکن مالی) است. می دانیم در جهان بینی اسلامی، بزرگترین ارزش، تقوا و پرهیز از گناه است و هر چه برخلاف آن باشد، ضد ارزش تلقی می شود. از بعضی روایات استفاده می شود که فقر اقتصادی، عامل بروز ناهنجاری ها و آلودگی های فردی و اجتماعی است و سرمایه و دارایی، کمک به تقوا و پرهیزکاری است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نعم العون علی تقوی الله العنی». (کافی، ج ۵، ص ۷۱). امام صادق علیه السلام می فرماید: « لا تدع طلب الرزق من حله فإنه عون لك علی دينك؛ کسب روزی حلال را (هرگز) ترک مکن، زیرا که آن بهترین یاور دین تو است». (امالی طوسی، ص ۱۹۳، ح ۳۲۶).

۵. سوال از کسب ثروت

مشوق دیگر جهت کسب ثروت حلال (سوال از کسب و درآمد در روز قیامت) است .

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ الْبُرْدَعِيُّ عَنْ رُقِيَّةَ بِنْتِ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهَا عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَسَلَّمَ لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَشَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ هیچ بنده ای در روز قیامت قدم از قدم بر نمی دارد تا درباره چهار چیز مورد بازجویی قرار گیرد: نخست از عمرش که در چه راه آن را سپری کرده است، دوم جوانی اش را چگونه و در چه راهی تمام کرده است، سوم از ثروتش که از کجا بدست آورده و

در چه راهی آن را مصرف کرده است، چهارم از محبت ما اهل بیت. (بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸)

رسول اکرم ﷺ در سخنانی می فرماید:

... ای مردم! کندی جریان روزی، شما را وادار نسازد که آن را از راه معصیت بجوید که خداوند روزی بندگان را از راه حلال تقسیم کرده، نه از راه حرام. پس کسی که تقوای الهی پیشه کند و از خدا بترسد و بردباری نشان دهد خدا روزی او را از راه حلال می دهد و کسی که پرده [عفاف و گناه] بدرد و در به دست آوردن روزی شتاب کند و روزیش را از راه حرام به دست آورد از روزی حلالش کاسته می شود و در روز قیامت بر آن محاکمه می شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۷۸).

۶. کسب ثروت حلال و استجابت دعا

یکی دیگر از روایات مشوق کسب ثروت حلال رابطه استجابت دعا و کسب ثروت حلال است. هرگاه کسی بخواهد دعایش مستجاب شود، بکوشد که کسب و کارش را حلال و پاک سازد و از مظالم مردم بیرون آید؛ زیرا دعای بنده پیش خدا بالا نمی رود، در صورتی که در شکمش، حرام یا به گردنش، مظلمه ای از مردم باشد.

۷. تکامل انسان با کسب روزی حلال

در حکمت ۱۲۳ مولای متقیان علی علیه السلام به چند مورد از خصوصیات انسان کامل اشاره شده است؛ از جمله به موضوع «کسب مال حلال»

مولی می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، ((وَطَابَ كَسْبُهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ))
خوشا به حال کسی که نفس را به فروتنی وادارد، ((و کسبش پاک و شایسته و نیتش پسندیده و خلق و خویش نیکو باشد.))

در نظام اقتصادی اسلام، آن چیزی که بیش از هر چیز اهمیت دارد حلال بودن کسب و کار است؛ یعنی به دست آوردن مال از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد. از این رو قرآن، جمع مال از راه های غیر مشروع را ممنوع ساخته است.

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند.

حدَّثنا أبو رضى الله عنه قال حدَّثنا علي بن الحسين السعدآبادى عن أحمد بن أبى عبد الله البرقى عن أبیه عن محمّد بن أبى عمير عن هشام بن الحكم عن أبى عبد الله عليه السلام قال: من كسب مالاً من غير حلّ سلّط الله عليه البناء و الماء و الطين. (الخصال ۱۵۹)

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

«هر کس مالی از راه حرام به دست آورد، خداوند ساختمان و آب و گل را بر وی چیره می‌گرداند.»

باتأمل در مطالب فوق، به ویژه در تعبیراتی چون (کسب ثروت حلال بالا ترین عبادت)، (سفارش به کسب ثروت حلال حتی در شرایط بحرانی) (قوام دین)، (عون بر تقوی)، (سوال از کسب ثروت)، (کسب ثروت حلال واستجابت دعا)، (تکامل انسان با کسب روزی حلال) در مورد کسب ثروت حلال، بیانگر آن است که اسلام برای فعالیت‌های اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای قائل است تا جایی که می‌توان با تکیه بر قدرت اقتصادی، ضمن تأمین آسایش فردی، به واقعیت جامعه اسلامی و دینی دست یافت، و ساختار آن را بر اساس تقوا و پرهیزکاری بنا نهاد؛ دنیا را آباد کرد و از گذر آن، سعادت اخروی را تضمین نمود.

روشن است در این نگاه، کسب ثروت حلال، در خدمت فرد و جامعه، جهت پرورش استعدادها و رسیدن به کمال به کار گرفته شده و امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه نیز در پرتو اقتصاد سالم و پویا، سامان می‌یابد.

نظر فقهاء در مورد کسب ثروت حلال:

۱. امام خمینی رحمته الله علیه:

امام خمینی رحمته الله علیه رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در جواب از سوءال (آیا تحصیل ثروت از راه حلال در اسلام حد معینی دارد؟)

می‌فرماید: حد آن تحصیل از راه حلال و مراعات وظایف شرعیه در مال است. (خمینی،

روح الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، استفتاءات جلد: ۵، صفحه: ۶۴۶)

۲. آیه الله خامنه ای

دیدگاه رهبر معظم انقلاب در زمینه ی تولید ثروت چیست؟

یکی از مباحث بسیار کلیدی و مهم که رهبر فرزانه ی انقلاب به آن پرداخته اند، بحث تولید ثروت در کشور است. ایشان در دیدار با دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی که در تاریخ ۸۵/۱۱/۳۰ صورت پذیرفت، نکات مهمی را در ارتباط با فرهنگ تولید ثروت در اسلام، مطرح کرده اند که در زیر به بخشی از آن ها اشاره می شود.

ایشان در مورد ثروتمند شدن بعضی افراد می فرمایند: گفتند شما با ابلاغ این سیاست ها موجب می شوید که افرادی دارای ثروت های بزرگ و سنگین شوند و با این فعالیت های اقتصادی یک عده ثروتمند می شوند. من در جواب آن ها گفته ام و حالا هم می گویم که ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ کس این را نگفته و نمی گوید، افرادی که دین را می شناسند و قرآن را می شناسند نیز چنین نمی گویند.

دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه ی تولید و نحوه ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد، از راه های غیرقانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد، مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد، بتواند مثل خونی در رگ های جامعه جریان پیدا کند، صرف در فساد نباشد.

این آیه ی شریفه را ملاحظه کنید، سوره ی قصص، آیات مربوط به قارون، قارون یک نمونه ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام، قرآن، شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل می کند، «قال له قومه»، این حرف ها از آدم های عامی و معمولی نیست، بنابراین حرف های معتبری است، علاوه بر این که خود قرآن این حرف ها را تقریر می کند، یعنی بیان و اثبات می کند که به او می گویند: «و ابتغ فیما اتاک

اللَّهُ دار الأخره؛ آن چه که خدا به تو داد، این را وسیله ی به دست آوردنِ آخرت قرار بده» در روایات ما هم هست :

توصیه اول: «نعم العون الدنیا علی الأخره؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن»
توصیه ی دوم: «ولا تنس نصیبک من الدنیا؛ سهم خودت را هم فراموش نکن»
خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری، آن را هم ما نمی گوییم که استفاده نکن، خودت بهره مند نشو از این ثروت، نه، بهره مند هم بشو، مانعی ندارد.
توصیه ی سوم: «و أحسن كما أحسن الله إليك؛ خدا به تو این ثروت را داده، تو هم وسیله ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی» یعنی سهمی از این را به مردم بده.

توصیه ی چهارم: «ولا تبغ الفساد فی الأرض؛ فساد ایجاد نکن»
آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن، یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت نزن، می گویند سوءاستفاده نکن، از این ثروت استفاده ی خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با آن آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش، سهم خودت را هم داشته باش، منطق اسلام این است.

شما در کتاب ها خوانده اید، از اهل منبر هم زیاد شنیده اید که امیرالمؤمنین علیه السلام اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف إلا فی ملک؛ کسی که مالک نباشد، که نمی تواند وقف کند.»
این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ایشان این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی، امیرالمؤمنین علیه السلام چاه می زد، آب بیرون می آورد، مزرعه درست می کرد، آباد می کرد، بعد وقف می کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین علیه السلام، قرن ها مانده است. پیداست چیزهای ریشه دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.

اگر از من سؤال کنند کسی ثروتی تولید کند برای این که ۲۰ نفر یا ۱۰۰ نفر انسان را که

زندگی شان سرشار از محرومیت است، به نوا برساند، یا به عنوان مثال فرض بفرمایید که ۵۰ نفر را که در فلان شهر زندگی می‌کنند و در آرزوی یک بار زیارت قبر مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام در حسرت هستند و نتوانستند بروند، این‌ها را با ثروتش به زیارت ببرد، این بهتر است یا با همین پولی که می‌خواهد با آن تولید ثروت کند، ۱۰ سال پشت سر هم عمره برود، بنده به طور قطع و یقین و بدون هیچ تردید، خواهم گفت؛ اولی مقدم است. حالا هر سال عمره نرود. تولید ثروت فی نفسه ممدوح است، اگر با نیت کمک باشد، آن وقت حسنه ی الهی هم هست، اجر الهی و اخروی هم دارد.»

(بیانات رهبری در دیدار با مسئولین اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی)

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این که شرایط برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و افزایش تولید با بهره‌دهی بالا فراهم شده است، می‌فرمایند: «سرمایه‌گذاری ثروتمندان در بخش‌های تولیدی و تولید ثروت در جامعه یک عبادت و ثواب است که این فرهنگ باید بیش از پیش در جامعه عمومیت یابد ضمن آن که مدیریت کشور نیز باید به گونه‌ای باشد که تمامی طبقات و قشرهای مختلف از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند.»

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این که شرایط برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و افزایش تولید با بهره‌دهی بالا فراهم شده است، می‌فرمایند: «سرمایه‌گذاری ثروتمندان در بخش‌های تولیدی و تولید ثروت در جامعه یک عبادت و ثواب است که این فرهنگ باید بیش از پیش در جامعه عمومیت یابد ضمن آن که مدیریت کشور نیز باید به گونه‌ای باشد که تمامی طبقات و قشرهای مختلف از نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌مند شوند.»

(بیانات در صحن جامع رضوی، ۱ فروردین سال ۱۳۸۸)

با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب، نکات زیر قابل استنباط است:

۱- در نگاه مقام معظم رهبری، تولید ثروت از راه حلال و در مسیر قانونی و مشروع و در خدمت منافع تمام جامعه به خصوص نیازمندان و البته با حفظ سهم تولیدکننده در فرآیند تولید ثروت، امری ممدوح و عبادت است.

۲- نکته‌ی کلیدی این است که مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید می‌کنند که ثروت

نباید موجب فساد در جامعه شود. فرآیند تولید ثروت در جامعه باید به گونه ای شود که ثروت و فرآیند تولید ثروت نباید موجب فساد در جامعه شود. اصل مبارزه با فساد بر اصل تولید ثروت، مقدم است.

۳- از دیدگاه مقام معظم رهبری سرمایه ها باید در جامعه در فرآیند تولید منجر به تولید ثروت شوند. با توجه به این نگاه ایشان باید شرایط اقتصادی را به گونه ای طراحی و مدیریت نمود که فضای تولید در اقتصاد کشور رونق بگیرد و تولید بهترین و اصلی ترین ممر تولید ثروت در جامعه شود. باید با موانع تولید مقابله نمود و همه ی بخش های اقتصاد در خدمت تولید باشند.

۴- فرآیند تولید ثروت در جامعه باید مدیریت شود و این مدیریت در فرآیند تولید، باید به گونه ای صورت پذیرد که همه ی طبقات و قشرهای مختلف به خصوص محرومین از نتایج این سرمایه گذاری ها بهره مند شوند.

مبحث سوم: حل تعارض بین تشویق به کسب ثروت حلال و نکوهش ثروت اندوزی.
از عناوین قابل طرح این است که با آن همه اهمیتی که اسلام برای کسب ثروت قائل شده، در بسیاری از نصوص دینی، امکانات مالی و کسب ثروت مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است، تا آنجا که برخی دچار تردید و سردرگمی شده اند. این تردید و سؤال از آنجا ناشی می شود که در متون اسلامی، از یک سو، نصوص فراوانی از ثروت تعریف کرده اند و تحصیل آن را در عداد جهاد فی سبیل الله خوانده اند و حتی کشته شدن در راه حفظ آن را شهادت می دانند. (در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می خوانیم: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (خصال صدوق، ص ۶۰۷).) از سوی دیگر در مورد بی ارزش بودن دنیا و تعبیر از آن به لَهو و لعب، و لزوم اجتناب از آن، تأکید فراوان نموده اند. این ناهماهنگی، در روش و سیره جمعی از مسلمانان صدر اسلام، هم در متون دینی، در بدو نظر نوعی تضاد و ناهماهنگی در مورد مال و دارایی دیده می شود و هم در روش و سیره مسلمانان صدر اسلام این دو نوع عملکرد احساس می شود.
در این مبحث ابتداء به تعدادی از آیات و روایاتی که از ثروت اندوزی نهی می کند اشاره، بعد به حل تعارض پرداخته می شود.

آیات و روایاتی که از ثروت اندوزی نهی می‌کند.

۱ - آیاتی که تفاخر به مال و ثروت را جایز نمی‌داند: **أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ** (تکاثر ۲ و ۱)

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (۱) تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را بر شمردید و به آن افتخار کردید)!

۲ - آیات ۳۴ و ۳۳ زخرف در مقام نهی از اسباب عیش و آسایش دنیاست چنان که می‌فرماید:

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)
وَلِيُوتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكُونَ (۳۴) وَ زُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

«اگر بنا نبود که همه به قدر تلاش خودشان از دنیا برخوردار شوند، سقف خانه بی‌دین‌ها را از طلا و نقره می‌ساختیم، با بهارخواب‌هایی باشکوه که آن‌ها از بالایش خودنمایی بکنند* برای خانه‌هایشان درهایی متعددی می‌گذاشتیم و تخت‌هایی مجلل که بر آن تکیه کنند.»

۳ - **وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفقونها فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ (۳۴) يَوْمَ يَحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنُزُونَ (توبه، آیه ۳۴ و ۳۵)**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و راهبان، اموال مردم را بیاطل می‌خورند، و آنان را از راه خدا بازمی‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و پنهان می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند؛ (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید!

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه (کنز) به معنای روی هم نهادن مال و نگهداری آن است و

(یکنزون) در جمله (و الذین یکنزون الذهب و الفضة) به معنای انباشتن و ذخیره کردن است .
شیخ طوسی نیز در امالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند هنگامی که آیه کنز نازل شد، آن حضرت فرمود: «:

كُلِّ مال یؤدی زکاتهُ فلیس بکنز و إن کان تحت سبع أرضین و کُلِّ مال لا یؤدی زکاتهُ فهو کنز و إن کان فوق الأرض؛ هر مالی که زکاتش پرداخت شود باقیمانده آن «کنز» نیست، اگر چه زیر هفت طبقه زمین باشد. به عکس هر مالی که زکات آن پرداخت نشود «کنز» است، هر چند روی زمین باشد». (امالی شیخ طوسی، ص ۵۱۹، ح ۱۱۴۲؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶).
فقهاء می فرماید: انباشتن و ثروت اندوزی با امساک از پرداخت واجبات مالی حرام است.
۴ - و جمع فاعلی؛ (معارج آیه ۱۸)

آری شعله های سوزان آتش است • دست و پا و پوست سر را می کند و می برد! • و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می زند • و همچنین آنها که اموال را جمع و ذخیره کردند
۵ - الذی جمع مالا وعدده؛ (همزه، آیه ۲).

همان کس که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند! «کلا لینبذن فی الحطمة؛ (همزه آیه ۴). چنین نیست که می پندارد؛ بزودی در حطمه (آشی خردکننده) پرتاب می شود!»

۶ - در روایتی آمده که از امیرمؤمنان علی علیه السلام سؤال کردند: چه کسی حسرتش از همه بیشتر است؟

فرمودند: کسی که اموال خود را در ترازوی سنجش اعمال دیگران ببیند، خداوند او را به خاطر اموالش وارد دوزخ کند، و وارث او را به خاطر آن وارد بهشت سازد. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۲)

۷ - حضرت علی می فرماید: من رهبر مؤمنان هستم و مال رهبر و رئیس گناهکاران است؛ یعنی مؤمنان از من پیروی می کنند، ولی گناهکاران مطیع مال و ثروت هستند. هر کس درهم و دینار را دوست داشته باشد او بنده ی دنیا است.

رسول خدا می فرماید: کسی که بنده ی درهم و دینار باشد ملعون و از رحمت خدا به دور است.
در منابع اسلامی درباره ی مال و ثروت به آیات و روایات برخورد می کنیم از جنبه ی منفی

به مال و ثروت نگاه شده است، چند مورد به عنوان نمونه اشاره شد.

حل تعارض

اینک با توجه به آنچه گذشت، سؤال اساسی این است که نظر نهایی اسلام در این مساله چیست؟ آیا واقعاً اسلام مال و ثروت را مذموم و آن را پلید خوانده است؟ و اگر چنین نیست پس این روایات در مذمت آن به چه معنی است؟ چگونه بین آیات و روایات که نسبت به ثروت با دید مثبت و منفی نگرسته است، حل تعارض نمود؟

برخی از دانشمندان بر این باورند که در ترجمه علوم یونانی به زبان عربی، تصوف یونانی در افکار بعضی از مسلمانان رخنه کرده و در اندیشه گروهی، مال و ثروت و کلیه پیوندهای مادی، مانعی بر سر راه سعادت بشر تلقی شد تا آنجا که گروهی به نقل ابو حامد غزالی، برای وارستگی، اموال خود را به دریا ریختند. (ر. ک: جلوه حق، ص ۱۵۸).

از بعضی از احادیث استفاده می شود که چنین اندیشه ای گاه و بیگاه در میان یاران پیامبر نیز جوانه می زد. در میان صحابه افراد معدودی بودند که زن و فرزند و زندگی دنیایی را رها کرده، سر به کوه و بیابان نهادند؛ ولی پیامبر ﷺ آنان را از این عمل بازداشت تا آنجا که شأن نزول بعضی از آیات قرآن همین مساله بود. (هنگامی که به اطلاع پیامبر اکرم ﷺ رسید گروهی از مسلمانان از اجتماع بریده و تارك دنیا شده اند و از همه چیز اعراض نموده و به عزلت و عبادت روی آورده اند، سخت آنها را مورد عتاب قرار داد و فرمود: «لا رهبانية فی الإسلام؛ در اسلام رهبانیت نیست» (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۳) و در حدیث دیگر به «عثمان بن مظعون» فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتَبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ خداوند متعال رهبانیت را برای امت من مقرر نداشته، رهبانیت امت من جهاد در راه خداست». (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۱۴). همچنین در قسمتی از آیه ۲۷ سوره حدید، جمله «وَرَهْبَانِيَةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ؛ رهبانیتی را ابداع کرده بودند و ما بر آنها مقرر نداشته بودیم، گرچه هدف آن جلب خشنودی خدا بود»؛ حاوی نکوهش بر ترك دنیاست).

شکایت علاء بن زیاد از برادرش عاصم نزد امیر مؤمنان علی ﷺ نیز حکایت از وجود این نوع تفکر در افرادی مانند عاصم در آن دوران دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹). چنین است حکایت

مردی که نزد آن حضرت زبان به مذمت دنیا گشود و حضرت با گفتن: یا ایها الذام للدنیا... بر وی اعتراض کرد و با شیواترین مضامین به مدح و ثنای دنیا پرداخت و فرمود: دنیا تجارت خانه اولیای خداست. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۳۱).

این روایات بیانگر آن است که گروهی نتوانستند به درستی از عهده حل این تضاد و ناهماهنگی ظاهری برآیند. برای حل مساله توجه به این نکته ضروری است که این اختلاف تعبیرها هیچ‌گاه مستقیم به اصل مال و ثروت بر نمی‌گردد، بلکه در واقع به نوع نگرش و تعامل انسان نسبت به آن بازگشت می‌کند.

توضیح اینکه اسلام دینی است که با نگاهی جامع به همه ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان، برنامه اقتصادی‌اش را برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت، ارائه کرده است. در این آئین که هماهنگ با زبان فطرت است، تعارضی میان دنیا و آخرت نیست و دنیا در برابر آخرت قرار ندارد، بلکه آخرت از مسیر دنیا می‌گذرد، لذا در این نگرش نه اصل مال تحقیر شده و نه کسب نه تولید یا مصرف آن، بلکه همه اینها مورد تأکید و توصیه و تشویق قرار گرفته است. آنچه مورد مذمت یا مدح قرار گرفته، در واقع به نگرش انسان به امکانات مادی و نحوه تعامل انسان با آن بر می‌گردد.

در این بینش اگر انسان ثروت را وسیله‌ای برای فعالیت، کار، تولید، توسعه و اشتغال در نظر بگیرد و با آن به عمران و آبادانی پردازد و در راه خدا انفاق کند، پول و ثروت تابع آن هدف متعالی انسانی قرار گرفته و ارزشمند خواهد بود؛ ولی اگر این اهداف را فراموش کند و به ثروت چنان اصالت بدهد که در مسابقه جنون‌آمیز تکاثر گرفتار شود و با هدف قرار دادن و جمع و ذخیره کردن آن به خود برتری‌بینی و تحقیر دیگران بیندیشد و ثروت را به خاطر ثروت بخواهد و در حلال و حرامش بیندیشد و یا وظائف دینی خود را تحت الشعاع آن قرار دهد، قطعاً اسلام آن را نمی‌پسندد و با چنین ثروتی به شدت مخالف است و آن را برای شخصیت والای انسان، بسیار خطرناک می‌داند.

کوتاه سخن اینکه مال فی حد ذاته، مورد نکوهش نیست؛ ولی اگر مایه تباهی و فساد شخصیت انسان شود، چنین مال و ثروتی در نگاه دین، امر مذموم و ضد ارزش است و خیری در آن نیست.

آیه شریفه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى»؛ به یقین انسان طغیان می‌کند از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند» (علق، آیه ۶ و ۷). بیانگر همین نکته است که چگونه نگرش انسان به سرمایه می‌تواند شخصیت وی را تغییر دهد و به فساد بکشانند.

از تعبیر به «رأه استغنی؛ خود را توانگر دیدن» به جای «غنی و توانگر بودن» فهمیده می‌شود آنچه برای انسان خطرناک است نوع تلقی و نگرش وی نسبت به مال و ثروت است نه اصل وجود مال و نه کسب و مصرف آن.

در حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ می‌خوانیم: «نعم المال الصالح للرجل الصالح؛ ثروت پاک و شایسته، بهترین یاور برای انسان صالح است». (مسند احمد، ج ۴، ص ۱۹۷. حدیث فوق در برخی از عبارات بدین صورت نقل شده است: «نعم المال الصالح للمرء الصالح».)

تشبیه ثروت و انسان به دریا و کشتی از آن جهت است که آب دریا اگر در داخل کشتی نفوذ کند، آن را غرق می‌کند؛ ولی اگر در زیر آن قرار داشته باشد، نه تنها ضرری به آن نمی‌رساند که تنها وسیله نجات برای رسیدن به ساحل است. مال نیز اگر وسیله‌ای در اختیار انسان باشد باعث نجات است؛ ولی اگر انسان را در خود محو و مستغرق نماید، باعث هلاکت و سقوطش خواهد بود. این راه حل را می‌توان از آیات و روایات متعددی به دست آورد، از جمله:

الف. در داستان قارون در سوره قصص می‌خوانیم که آگاهان بنی اسرائیل چهار پیشنهاد به او کردند و گفتند:

وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را طلب کن و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش». (قصص، آیه ۷۷).

از این آیه (چنان‌که در بیانات رهبری گذشت) به خوبی استفاده می‌شود که حتی ثروت افسانه‌ای قارون هم - که کلیدهای گنج او را جمعی نیرومند به زحمت بر دوش حمل می‌کردند - اگر در خدمت مردم و نیازمندان و پیشرفت جامعه قرار گیرد و سبب طغیان و فساد نشود، دارای ارزش است.

ب. یکی از یاران امام صادق علیه السلام خدمت حضرت عرض کرد: ما دنبال دنیا هستیم و به آن علاقه نشان می‌دهیم، می‌ترسیم که دنیاپرست شده باشیم. امام فرمود: با آن ثروت دنیا می‌خواهی چه کنی؟ پاسخ داد: هزینه خود و خانواده‌ام را تهیه کنم، به خویشاوندان کمک نمایم، در راه خدا انفاق کنم و حج و عمره بجا آورم، امام فرمود: «لیس هذا طلب الدنيا، هذا طلب الآخرة؛ این دنیاطلبی نیست، بلکه درست در طلب آخرت است». (کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹، باب ۷).

ج. در حدیثی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم:

لا خیر فی من لا یحبُّ جمعَ المالِ من حلالِ یکنفُ بهِ وجهه و یقضی بهِ دینه و یصلُّ بهِ رحمته؛ کسی که کسب مال و ثروت را از طریق مشروع دوست ندارد که با آن آبروی خویش را حفظ کند، قرض را ادا نماید و صله رحم بجا آورد، در او هیچ خیر و فایده‌ای نیست. (کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹، باب ۷).

د. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هنگامی که حضرت ذهب و فضه (طلا و نقره) را لعن و نفرین فرمود: یکی از یاران تعجب کرد و در این باره سؤال نمود، امام علیه السلام فرمود: «لَیْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِلَيْهِ إِنَّمَا الذَّهَبُ الَّذِي ذَهَبَ بِالذِّينِ وَ الْفِضَّةُ الَّذِي أَفَاضَ الْكُفْرَ»؛ (آن طور که تو فهمیده‌ای نیست، منظور از ذهب چیزی است که دین را از بین برد و منظور از فضه چیزی است که سرچشمه کفر و بی‌ایمانی می‌شود).

به بیان دیگر: کسب ثروت از نظر اسلام زمانی پسندیده و مورد ترغیب و تشویق است که افزون بر رفع نیازمندی‌های شخصی، در راه تقویت جامعه اسلامی و خدمت به عموم، تحصیل و مصرف شود؛ بنابراین کسی که در تمام عمر خویش تلاش می‌کند تا بنیه اقتصادی و ثروت عمومی جامعه اسلامی را رشد داده و آن را برای عزت و قدرت و شوکت اسلام افزایش بخشد، یکی از بزرگ‌ترین عبادت‌ها را انجام داده است و به یقین این عمل به معنای مال‌اندوزی نیست، بلکه به تعبیر روایات «اصلاح المال» یا «اصلاح المعیشة» محسوب می‌شود.

این بحث را با روایت پرمعنایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایان می‌دهیم. جمعی از یاران رسول خدا در حضور آن حضرت به جوان کارگری که صبحگاهان جهت کسب و کار به راه افتاده بود، خرده گرفتند که چقدر خوب بود این جوان، نیروی خود را در راه خدا به کار می‌گرفت،

پیامبر ﷺ با شنیدن این سخن فرمود: «إِنَّ كَانَ يَسْعَى عَلِيٌّ وَلَدَهُ صَغَارًا، فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَ خَرَجَ عَلِيٌّ أَبُوَيْنِ شَيْخَيْنِ كَبِيرَيْنِ، فَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَ خَرَجَ يَسْعَى عَلِيٌّ نَفْسَهُ لِيَعْفَهَا، فَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَ خَرَجَ يَسْعَى عَلِيٌّ أَهْلَهُ، فَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ إِنْ خَرَجَ يَسْعَى تَفَاخُرًا وَ تَكَاثُرًا فَفِي سَبِيلِ الطَّاعُوتِ؛ اِذَا كَانَ جَوَانٌ لِيَسْعَى عَلِيٌّ فَرَزْنِدَانِ كَوَاجِحِ تَلَّاشِ مِي كَنْدِ وَ يَا بَرَايَ پَدَرِ وَ مَادَرِ پِيرِ وَ نَاتَوَانَشِ كَارِ مِي كَنْدِ وَ يَا بَرَايَ بِي نِيَازِي خُودِ اَزِ مَرْدَمِ كُوشَشِ مِي نَمَايَدِ وَ يَا آنَكِهَ بَرَايَ مَخَارَجِ اِهْلَشِ تَلَّاشِ مِي كَنْدِ، هَمِهَ دَرِ رَاهِ خُدَاسْتِ؛ وَ لِيِ اِگَرِ بِهَ اَنگِيْزِهَ فِخْرَفِرُوشِيِ وَ تَكَاثُرِ مِي كُوشَدِ تَلَّاشِ وَيِ دَرِ رَاهِ طَاغُوتِ اسْت.» (لمعجم الصغیر، ج ۲، ص ۶۰).

نتیجه

بنابر این با تأمل در تعبیراتی چون مال الله، فضل الله و خیر، در ارتباط با امکانات مالی، نشانگر مطلوبیت و محبوبیت ثروت در قرآن و بینش دینی است. علاوه بر این تعبیرات مثبت، در قرآن از دارایی و ثروت با تعابیری چون رحمت (مانند آیه ۹ سوره هود: «وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كَفُورٌ») و آیه ۱۰۰ سوره اسراء: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ.»)، حسنه (مانند آیه ۱۳۱ سوره اعراف: «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ.») و «الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف، آیه ۳۲ و مانند آیه ۴ و ۵ سوره مائده: «يَسْتَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ...») و آیه ۹۳ سوره یونس: «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...») یاد شده است که می‌رساند در نگاه اسلام امور مالی و ثروت، صرفاً بر مبنای تفکر مادی پی‌ریزی نشده، بلکه بر اساس مبانی الهی و اهدافی مقدس و متعالی بنا گردیده است.

افزون بر اینها در برخی از آیات نیز از محرومیت‌های مالی و مادی به عنوان مجازات و عذاب الهی یاد شده است.

این اشارات نشان می‌دهد ثروت حلال در اسلام برخلاف تفسیرهای ناآگاهانه و برداشت‌های نادرست افرادی که بدون داشتن صلاحیت علمی، احکام اسلام را به غلط تفسیر می‌کنند و به امور مالی همچون شیء پلید نظر دارند؛ از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به گونه‌ای که در نگاه دین، قوام سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، در گرو قوام و ثبات

اقتصادی آن است و زندگانی دنیا مقدمه و زمینه‌ساز حیات آخرت است.

همه‌جانبه‌نگری و توجه به ابعاد گوناگون در وضع قوانین و مقررات، از ویژگی‌های دین اسلام است که نشان از انسان‌شناسی این آئین آسمانی دارد، لذا شاهد هستیم اسلام در مسأله ثروت و دارایی - برخلاف همه مکاتب اقتصادی دنیا - تنها به قدرت اقتصادی نمی‌اندیشد، بلکه در عین توجه به قدرت اقتصادی، با باریک‌اندیشی خاصی به توان روحی انسان نیز عنایت دارد. در این بینش، انسان باید به قدری از قدرت روحی و کمال انسانی برخوردار باشد که اگر همه دنیا را هم در اختیارش قرار دهند، بنده و اسیر آن نگردد و اگر روزی، همه آن را از او سلب کنند گرفتار شکست روحی نشود.

به همین دلیل در این فرهنگ، کار و تلاش نه تنها مورد تأکید و تشویق قرار می‌گیرد، بلکه عبادتی بزرگ محسوب می‌شود.

گفتنی است روایات مربوط به اهمیت کار و تلاش، کسب و تجارت، طلب روزی حلال، توسعه و آبادانی، خودکفایی و استقلال اقتصادی و... که همه به نوعی حکایت از اهمیت فعالیت‌های اقتصادی و جایگاه بلند آن می‌کند، بسیار گسترده و متنوع است. بخش‌هایی از آن در این مقاله بیان شد.

از نظر اسلام مال و ثروت به خودی خود نه خوب است و نه بد. بلکه اگر نردبان صعود انسان به کمال گردد خوب و اگر موجب دل بستگی آدمی گردد و سد راه شود ناپسند خواهد بود. پس به نوع برخورد انسان به ثروت و هدف از ثروت اندوزی دارد.

ثروت باید وسیله‌ای باشد برای استفاده همگان، پر کردن خلاءهای اقتصادی؛ مرهم نهادن بر زخم‌های جانگاہ محرومان و برای رسیدگی به نیازها و مشکلات مستضعفان. علاقه به چنین ثروتی با چنین هدفی، علاقه به دنیا نیست، بلکه علاقه به آخرت است. اسلام ثروتی را نکوهش می‌کند که مانع رسیدن به کمال باشد و موجب دل بستگی انسان شود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
اسد الغابة فی معرفة الصحابة، علی بن محمد بن اثیر، دار الکتب العربی، بیروت.
اقتصاد، پل سامونلسن، ترجمه حسن پیرنیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۲.
امالی طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
انجیل متی.
ایروانی، باقر، ۱۳۸۶ ه.ش.، دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الأحکام، قم - ایران، دار الفقه للطباعة و النشر، جلد: ۱،
آل عصفور، حسین بن محمد. محقق محسن آل عصفور.، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، قم - ایران، المیرزا محسن آل عصفور، جلد: ۱۱
بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ق.
التفسیر المنیر، دکتر وهبة زحیلی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۱ق.
تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۵ ش.
جلوه حق، آیه الله مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
خصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ق.
خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. استفتاءات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم، ۱۳۹۲ ه.ش.، تهران - ایران)
در المنثور، جلال الدین سیوطی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۳ق.
درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳.
دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، دار المعارف مصر، قاهره، چاپ دوم.
عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۲ ه.ش.، آیات الأحکام، تهران - ایران، دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی،)

- عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسانی، سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ق.
- الفتنة الكبرى، دکتر طه حسین، دار المعارف، مصر، چاپ هشتم.
- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیة، آخوندی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.
- کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرسالة، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ق.
- مبانی و اصول علم اقتصاد، ید الله دادگر، تیمور رحمانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۸ق.
- محاضرة عن الاقتصاد الاسلامی، دکتر محمد العربی.
- المحجّة البيضاء، مولی محسن فیض کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۱ ه.ش.، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران - ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، صفحه: ۱۱۳
- مسند أحمد أحمد بن حنبل، دار صادر، بیروت.
- المعجم الصغير، طبرانی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- مفردات راغب، راغب اصفهانی، دار المعرفة، بیروت.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵ ه.ش.، دائرة المعارف فقه مقارن، قم - ایران، مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- المنار، محمد رشید رضا، دار المعرفة، بیروت، چاپ دوم.
- الميزان، علامه طباطبائی، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۲ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

